


Jurisprudential analysis of the similarity or difference in the Sharia ruling on live and produced media broadcasting

Mahdi Rahbar¹

 0009-0005-2238-3924

Abstract

In audio-visual media, direct (live) and indirect (produced and recorded) broadcasting are used to transmit messages and present various programs. Some contemporary jurists, who are mentioned in this article as those who believe in separation, believe that watching or listening to programs presented in the form of these two types of broadcasting are different in terms of religious ruling. Perhaps watching or listening to a program directly (such as watching men's swimming competitions for women) is considered forbidden, but receiving the same program indirectly is considered permissible. Famous jurists do not distinguish between these two types of broadcasting in terms of religious ruling and consider the ruling of both to be the same. In this study, which was prepared using a descriptive-analytical method and using library resources and related software, after explaining the evidence for the separation view, such as the separation of sound and image from the narration of sound and image, the emergence of narrations in the optional verb, the clarification of the narration on separation, the emergence of titles in the implicit in the original, the rule of proximity and the withdrawal of the mind to live broadcasting, They were analyzed and reviewed, and by citing evidence such as the applicability of the evidence of the rulings of the visible and audible, the wisdom of legislating the rulings, the association of separation with nonsense and futility, the contradiction of the viewpoint of separation with customary understanding, and the necessity of a ruling belonging to a single subject, the famous saying has been confirmed and emphasized.

Keywords: Live broadcast, production program, indirect broadcast, audio-visual media, religious ruling.

1- Associate Professor, Department of Jurisprudence, Faculty of Jurisprudence and Law, University of Islamic Studies, Tehran, Iran
m.rahbar@mazaheb.ac.ir

تحلیل فقهی یکسانی یا تفاوت حکم شرعی پخش زنده و تولیدی رسانه

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

مهدی رهبر^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

چکیده

در رسانه‌های صوتی-تصویری برای انتقال پیام و ارائه برنامه‌های مختلف از پخش مستقیم (پخش زنده) و غیرمستقیم (تولیدی و ضبط شده) استفاده می‌شود. برخی از فقهاء معاصر که در این مقاله از آنان به‌عنوان قائلان به تفکیک نام برده می‌شود معتقدند که دیدن یا شنیدن برنامه‌هایی که در قالب این دو نوع پخش عرضه می‌شود از نظر حکم شرعی متفاوتند، چه بسا دیدن یا شنیدن برنامه‌ای به‌صورت مستقیم (مانند دیدن مسابقات شنای مردان برای زنان) محکوم به حرمت بوده؛ اما دریافت همین برنامه به‌صورت غیرمستقیم، مجاز تلقی شده است. مشهور فقهاء بین این دو نوع پخش از نظر تعلق حکم شرعی تفاوتی قائل نشده و حکم هر دو را یکسان می‌دانند. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای مرتبط فراهم آمده، پس از تبیین ادله دیدگاه تفکیک مانند تفکیک صدا و تصویر از حکایت صدا و تصویر، ظهور روایات در فعل اختیاری، تصریح روایت بر تفکیک، ظهور عناوین در متلبس بالمبدأ، قاعده اقریبیت و انصراف ذهن به پخش زنده، به تحلیل و بررسی آنها پرداخته و با استناد به ادله‌ای مانند اطلاق ادله احکام دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، حکمت تشریح احکام، ملازمه تفکیک با لغویت و عبث، تنافی دیدگاه تفکیک با متفاهم عرفی و لزوم تعلق یک حکم به موضوع واحد، قول مشهور تأیید و تأکید شده است.

واژگان کلیدی

پخش زنده، برنامه تولیدی، پخش غیرمستقیم، رسانه صوتی-تصویری، حکم شرعی.

۱. دانشیار گروه فقه دانشکده فقه و حقوق دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی تهران، ایران

مقدمه

رسانه‌ها ابزارهایی هستند که توسط آنها اطلاعات، افکار و پیام‌ها از فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود. در فرایند انتقال پیام به مخاطب در رسانه‌های شنیداری و دیداری (صوتی-تصویری) گاهی از برنامه‌های زنده و به صورت پخش مستقیم و گاهی از برنامه‌های از پیش ضبط شده یا تولیدی استفاده می‌شود که هرکدام بنا بر اقتضای احوال مخاطب و اصول حرفه‌ای رسانه، در جای خود می‌تواند مفید و منشأ اثر واقع شود. مراد از «پخش غیرزنده» هرگونه تصویر یا صوتی است که ابتدا ضبط شده و سپس با فاصله زمانی پخش می‌شود، و منظور از «پخش زنده» تصاویر یا اصواتی است که به صورت مستقیم و هم‌زمان با ضبط و بدون فاصله زمانی پخش می‌شوند؛ مثل، چت‌های تصویری و گزارش‌های مستقیم تلویزیونی. شنیدن یا دیدن برنامه‌های رسانه از جمله افعال ارادی مخاطبان محسوب شده و هر فردی بنا بر اختیار خود می‌تواند برنامه‌های رسانه را ببیند یا بشنود. این فعل اختیاری مخاطب، دارای حکم شرعی است و می‌تواند موضوع احکام خمس شرعی قرار گرفته و برخی مجاز و برخی غیرمجاز محسوب شوند. به اعتقاد برخی از فقها، پخش مستقیم و غیرمستقیم برنامه‌های رسانه در تعیین حکم شرعی دیدن یا شنیدن آن برنامه تأثیر دارد بعنوان نمونه اگر در برنامه زنده، مجری برنامه مرتکب غیبت شود شنیدن این غیبت محکوم به حرمت است؛ اما شنیدن همین غیبت در برنامه‌های تولیدی حکم حرمت غیبت را ندارد؛ البته ممکن است از باب هتک حرمت یا کشف اسرار دیگران متصف به حرمت شود. نمونه دیگر مربوط است به دیدن مسابقات کشتی توسط زنان که در پخش مستقیم نمی‌توانند این مسابقات را مشاهده کنند؛ زیرا مستلزم نگاه حرام و دیدن قسمت‌هایی از بدن مردان می‌شود که به صورت متعارف آشکار نیست؛ اما در پخش ضبط شده، بدون قصد تلذذ و ریبه و خوف فساد، دیدن این مسابقات برای آنان جایز است. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای مرتبط فراهم آمده در صدد پاسخگویی به این پرسش اصلی هستیم که آیا پخش مستقیم و غیرمستقیم در حکم شرعی موضوعات تأثیرگذار است یا خیر؟ در این راستا پس از ذکر ادله قائلان به تأثیرگذاری پخش زنده و تولیدی در حکم شرعی، به نقد و بررسی این ادله

پرداخته خواهد شد.

موضوع پژوهش از موضوعات مستحدثه است که در متون فقهی قدما و متأخرین بدان پرداخته نشده و هیچ کتاب، رساله، پایان‌نامه و مقاله‌ای در این زمینه یافت نشد. تعدادی از پژوهش‌ها در زمینه تأثیر پخش زنده در تبلیغات بازرگانی و اعتمادسازی در مشتریان و تأثیر آن در رفتار شهروندی و آموزش‌های مختلف رسانه‌ای نگاشته شده و از رابطه پخش مستقیم و مقابله با تهدیدهای رسانه‌ای غرب بحث شده و در برنامه‌های مناسبتی و دینی بر تأثیرگذاری بیشتر پخش مستقیم تأکید شده است. از زاویه تفاوت حکمی پخش مستقیم و غیرمستقیم، پژوهشی انجام نشده است. آیه یا روایتی نیز وجود ندارد که بتوان به‌عنوان دلیل خاص به آن استناد کرد؛ بنابراین برای یافتن پاسخ به پرسش فوق باید به قواعد اصولی و فقهی عام و برخی ادله قرآنی و روایی عام مراجعه کرد. برخی از فقهای معاصر بدون ذکر مستندات تفصیلی به این مبحث پرداخته‌اند که همین مسئله موجب صعوبت پژوهش در این زمینه شده است.

۱- تأثیرگذاری گونه‌های پخش رسانه‌ای در حکم شرعی (دیدگاه تفکیک)

برخی از فقهاء مانند آیت‌الله خمینی(ره)، آیت‌الله وحید خراسانی و آیت‌الله خامنه‌ای بین حکم فقهی پخش مستقیم و غیرمستقیم تفاوت قائلند که از این دیدگاه به دیدگاه تفکیک یاد می‌شود. امام خمینی معتقدند «فیلمی که به‌طور مستقیم پخش می‌شود، حکم شخص را دارد، یعنی مردان نمی‌توانند به‌غیراز وجه و کفین زنان نامحرم نگاه کنند و خانم‌ها نمی‌توانند به بدن مردان نگاه کنند؛ اما فیلمی که به‌طور غیرمستقیم پخش می‌شود، حکم عکس را دارد؛ یعنی اگر ناشناس باشد، نگاه‌کردن به آن، بدون تلمذ و مفسده، مانعی ندارد (وحدیدی، ۱۳۹۰، ص. ۳۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص. ۵۰۴). ایشان در بحث طلاق می‌گویند: بعید نیست که صیغه طلاق از طریق رادیو یا بلندگو انشاء شود به شرط آنکه دو شاهد عادل آن‌را بشنوند و انشاء صیغه به‌صورت مستقیم پخش شود. حکم ظهار نیز همان حکم طلاق است. وی در مبحث اقرار نیز بیان می‌دارد که: اگر اقرار توسط رادیو یا تلویزیون یا بلندگو به‌صورت مستقیم پخش شود و دانسته شود که صدای پخش شده، صدای

اقرارکننده است، لازم است آثار اقرار بر آن بار شود. بر مبنای سخن امام خمینی همان‌طور که خود اشاره کرده‌اند لازم است در موارد زیر اگر به صورت مستقیم پخش شوند آثار شرعی مترتب شود:

«شهادت شهود، حکم حاکم، سوگند، قذف، لعان، تهمت و هر آنچه که ترتب حکم بر آن نیاز به انشاء یا إخبار دارد» (خمینی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۹۹۵).

آیت‌الله خامنه‌ای بین فیلمی که به‌طور غیرمستقیم پخش می‌شود و عکس تفاوتی در حکم قائل نیستند؛ ولی نگاه به فیلم پخش زنده را بنابر احتیاط واجب در حکم نگاه به شخص می‌دانند و آن را با عکس متفاوت می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۹).

۱-۱. دلایل دیدگاه تفکیک

الف- تفکیک صدا و تصویر از حکایت صدا و تصویر

صدای مستقیم و حقیقی انسان ناشی از ارتعاش مستقیم تارهای صوتی و توسط حنجره و دستگاه صوتی انسان تولید می‌شود حال آنکه صدای ضبط شده (صوت مسجل) بازتولید مصنوعی صدای انسان است که روی حامل‌های صوتی ذخیره شده و توسط دستگاه‌های پخش صدا ایجاد می‌شود؛ بنابراین صدا و تصویر اصلی و واقعی، منتسب به شخص انسان خارجی است و آنچه در ضبط صوت یا عکس و فیلم دیده یا شنیده می‌شود به دستگاه ضبط صوت یا پخش فیلم منتسب می‌شود و حاکی از صدا و تصویر واقعی است. روایاتی که در باب شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها وارد شده ظهور در نفس صدا و تصویری دارد که منتسب به صاحب صوت و تصویر است نه آنچه از این دو حکایت می‌کند. در روایت نبوی آمده که آن حضرت فرمودند: «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ج ۲۳، ص. ۱۸۴). اقرار در این روایت به عقلا که صاحب صوتند منتسب شده نه به اسبابی که صدای ایشان را ضبط و پخش می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) در روایتی می‌فرماید: «لَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي رُؤْيَا أَلْهَالِ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص. ۱۲۴): یعنی شهادت زنان در رؤیت هلال قبول نمی‌شود، و جز شهادت دو مرد عادل پذیرفته نیست. در این روایت نیز شهادت به زنان منتسب شده که ظهور در شهادتی دارد که خود زنان ادا می‌کنند نه اسباب ضبط صوت. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَهُ»: یعنی هر که برادرش را در کار بدی ببیند و او را از آن با توانایی باز ندارد به او خیانت کرده است (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۷۱، ص ۱۹۰). دیدن فرد خاطی که در این روایت بیان شده، ظهور در دیدن خود فرد دارد نه تصویر ضبط شده وی. در باب اذان و اقامه، تعدادی روایت نقل شده که ظهور در شنیدن اذان از شخص مؤذن به صورت مستقیم دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: صَلَّى بِنَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَمِيصٍ بِلَا إِزَارٍ وَ لَا رِءَاءٍ وَ لَا أَذَانٍ وَ لَا إِقَامَةٍ إِلَيَّ أَنْ قَالَ: فَقَالَ وَ إِنِّي مَرَرْتُ بِجَعْفَرٍ وَ هُوَ يُؤَدِّنُ وَ يَقِيمُ فَلَمْ أَتَكَلَّمْ فَأَجَزْتَنِي ذَلِكَ» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۴۳۷). طبق این روایت، امام باقر(ع) به اذان و اقامه‌ای که از فرزندشان شنیدند گوش دادند و خود جداگانه اذان و اقامه قرائت نکردند و نماز را اقامه نمودند. در این روایت، اذان و اقامه به جعفر(ع) منتسب شده نه به وسیله‌ای که صوت ایشان را بازپخش می‌کند.

در روایتی دیگر وارد شده که امام باقر(ع) با شنیدن اذان و اقامه که توسط همسایه ایشان قرائت می‌شد بدان اکتفا کرده و نماز را به جا آوردند و فرمودند: «يُجْزِيكُمُ أَذَانُ جَارِكُمْ» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۴۳۷). در این حدیث نیز صدای اذان به شخص همسایه منتسب شده نه به دستگاه ضبط یا پخش صوت.

امام کاظم(ع) در روایتی می‌فرماید: اگر در حال نماز جماعت، شخصی آیه سجده‌دار را بخواند و نمازگزار آن را بشنود باید با اشاره سجده را انجام دهد (حرعاملی، ۱۳۹۲، ج ۷، ص ۲۴۳). در این روایت، قرائت و شنیدن به انسان نسبت داده شده نه به وسیله یا دستگاهی خاص.

آنچه در پخش مستقیم به لحاظ عرفی، مشاهده یا شنیده می‌شود خود شخص یا صدای اوست که منطبق بر ظهورات روایات در این زمینه است؛ اما در پخش غیرمستقیم، حکایت تصویر یا صدای اوست که منتقل می‌شود. جهت تقریب به ذهن می‌توان به فرق بین صدای شخص و تقلید صدای او یا شبیه‌سازی صدای او اشاره کرد که تقلید صدای

عرفاً صدای خود شخص محسوب نمی‌شود بلکه حکایت از صدای او دارد. با توجه به تفاوت صوت و حکایت صوت و تصویر و حکایت تصویر و اینکه رؤیت و استماع، حقیقت شرعی و متشرعیه ندارند و محمول بر فهم عرف عام می‌شوند؛ بنابراین تفکیک حکم پخش مستقیم و غیرمستقیم منطقی به نظر می‌رسد.

ب- ظهور روایات در فعل اختیاری

فعل اختیاری با اراده و انتخاب شخص، انجام شده و از قصد و نیت فاعل سرچشمه می‌گیرد و با علم و آگاهی همراه است. از خصوصیات بارز فعل اختیاری آن است که قابلیت فعل و ترک در آن متصور بوده و اتمام و تنقیص در آن ممکن است. در روایات مربوط به دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، حکم شرعی به فعل اختیاری تعلق گرفته که این افعال در کارهای انسان و پخش مستقیم آنها قابل تصور است؛ اما در ضبط و پخش غیرمستقیم، آنچه ضبط شده، پخش می‌شود و اطلاق فعل اختیاری به آن متصور نیست. امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید:

«إِذَا أُنْ مُؤذِنٌ فَنَقَصَ الْأَذَانَ وَ أَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تُصَلِّيَ بِأَذَانِهِ فَأَتَمَّ مَا نَقَصَ هُوَ مِنْ أَذَانِهِ»؛ یعنی اگر مؤذن، برخی از بندهای اذان را ناقص بگذارد و تو بخواهی با اذان او نماز بخوانی، خودت شخصاً بندهای ناقص اذان را تکمیل کن (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص. ۲۸۰). اتمام و تنقیص در اذان از امور اختیاری است که ممکن است در افعال انسان انجام شود؛ بنابراین اگر مؤذن، قسمتی از اذان را جانداخت، بر کسی که اذان را حکایت می‌کند مستحب است که آن را کامل کرده و سپس نماز را به‌جا آورد. شنیدن اذانی که امکان تنقیص در آن وجود دارد، ظهور در اذان مباشری و اذان با پخش مستقیم دارد ولی در اذان ضبط شده و پخش غیرمستقیم، آنچه ضبط شده، پخش می‌شود و امکان چنین امری توسط مؤذن وجود ندارد.

ج- تصریح روایت بر تفکیک

در روایتی از امام هادی(ع) آمده که آن حضرت با اشاره به یکی از قضاوت‌های حضرت علی(ع) به‌صراحت، جواز نظر به عورت دیگری در آینه را اجازه داده‌اند حال آنکه نظر به عورت دیگری به‌صورت مباشر، بالاتفاق، حرام است (خمینی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص. ۱۷) و این مؤید تفکیک حکم فرد خارجی و تصویر آن است.

«عَلَىٰ بَنِي مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْأَدْرِبِيَّانِيِّ وَمُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ كَيْسَانَ جَمِيعًا عَنْ مُوسَىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ أَخِي أَبِي الْحَسَنِ الثَّلَاثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ يَحْيَىٰ بْنَ أَكْثَمَ سَأَلَهُ فِي الْمَسَائِلِ الَّتِي سَأَلَهُ عَنْهَا قَالَ وَأَخْبَرَنِي عَنِ الْخُنْتَىٰ وَقَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ يُورَثُ الْخُنْتَىٰ مِنَ الْمَبَالِ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهِ إِذَا بَالَ وَ شَهَادَةُ الْجَارِ إِلَىٰ نَفْسِهِ لَا تُقْبَلُ مَعَ أَنَّهُ عَسَىٰ أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً وَقَدْ نَظَرَ إِلَيْهَا الرَّجَالُ أَوْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَجُلًا وَقَدْ نَظَرَ إِلَيْهِ النِّسَاءُ وَ هَذَا مِمَّا لَا يَحِلُّ فَأَجَابَهُ أَبُو الْحَسَنِ الثَّلَاثُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهَا أَمَا قَوْلُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْخُنْتَىٰ أَنَّهُ يُورَثُ مِنَ الْمَبَالِ فَهُوَ كَمَا قَالَ وَ يَنْظُرُ قَوْمٌ عُدُولٌ يَأْخُذُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مِرَاءَةً وَ يَقُومُ الْخُنْتَىٰ خَلْفَهُمْ عُرْيَانَةً فَيَنْظُرُونَ فِي الْمِرَاءَةِ فَيَرَوْنَ شَبَحًا فَيَحْكُمُونَ عَلَيْهِنَ»: موسى بن محمد (موسی مبرقع) برادر امام هادی (ع) گوید: یحیی بن اکثم در یکی از سؤالاتش از امام هادی (ع) چنین گفت: از مسئله خنثی و سخن امیرمؤمنان علی (ع) در مورد آن به من خبر ده که فرمود: «حکم میراث خنثی بنابر محلی است که ادرار می‌کند» که در هنگام ادرار کردن کسی به او نگاه کند و شهادت خودش پذیرفته نیست، یا اینکه شاید خنثی زن باشد درحالی‌که مرد به او نگاه کرده و شاید مرد باشد درحالی‌که زن به او نگریسته است. این از موارد حرام است. امام هادی (ع) به او جواب داد: سخن امام علی (ع) درباره خنثی که حکم میراث او بنابر محل ادرار اوست همان‌طور است که گفتی و گروهی عادل، هر کدام آینه‌ای در دست می‌گیرند و خنثی، عریان پشت سر آن‌ها می‌ایستد. پس آن‌ها در آینه نگاه می‌کنند و شبحی می‌بینند و طبق همان حکم می‌کنند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص. ۱۵۸).

روایت فوق گرچه در مورد جواز نظر به تصویر عورت است ولی با الغاء خصوصیت و تنقیح مناط می‌توان به ملاک حکم که عبارت است از نظر به تصویر چیزی که نظر به اصلش حرام است، دست یافت؛ بنابراین حکم نظر به وجود خارجی یک شی با حکم نظر به تصویر آن قابل تفکیک است.

د- ظهور عناوین در متلبس بالمبدأ

در بحث مشتق که در اصول فقه مطرح است، مشتق به لفظی اطلاق می‌شود که حکایت از صفت یا حالتی از شخص یا چیزی می‌کند به گونه‌ای که آن صفت یا حالت، قابل زوال و

تفکیک از ذات باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۸)؛ به عنوان مثال به کسی که مشغول غذا خوردن است، آکل اطلاق می‌شود که این صفت قابل زوال از وی است. مشهور اصولیون معتقدند که مشتق فقط در ذاتی که در حال حاضر متلبس به صفت است حقیقت است و در غیر آن مجاز است؛ بنابراین استعمال مشتق در معنایی که در آینده به آن متصف خواهد شد به اتفاق تمام اصولیون، مجاز است و در مورد ذاتی که قبلاً به صفتی متصف بوده ولی در حال حاضر به آن صفت متصف نیست، حقیقت یا مجاز بودن آن محل اختلاف نظر واقع شده است.

در پخش زنده رسانه، به عنوان نمونه فردی که اقرار می‌کند (مُقرّ) یا سوگند می‌خورد (حالف) چون در حال حاضر و بالفعل، متصف به این اوصاف است، اطلاق اقرارکننده یا حالف بر او حقیقت است و عناوین در خصوص متلبس به مبدأ حقیقی محسوب می‌شوند ولی در پخش غیرمستقیم به دلیل انقضاء این اتصاف یا عدم علم به استمرار این اتصاف تا زمان پخش آن، اطلاق عناوین مذکور مجازی محسوب می‌شود (مدرسه فقهات، درس خارج فقه استاد احمد خاتمی، ۱۳۹۸/۱۱/۳۰)، و اجرای اصل عدم اتصاف با استصحاب اتصاف، تلاقی داشته و هر دو تساقط نموده و قابل استناد نیست؛ بنابراین اقرار در پخش زنده همان حکم اقرار حضوری را دارد؛ زیرا هر دو حقیقی هستند.

و- قاعده اقریبیت

قاعده اقریبیت یک اصل عقلایی و شرعی است که مبتنی بر فطرت انسانی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۴۲) و مسئولیت‌پذیری را سامان می‌دهد و روابط اجتماعی را تنظیم می‌کند. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۱۵ می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»: از تو می‌پرسند که چه چیز انفاق کنند بگو: هر مالی که انفاق می‌کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و مسافران در مانده است و هر چه انفاق کنید، خداوند به آن داناست. در این‌جا به عنوان یک دستور استجابی، به پیروان اسلام می‌فرماید: آنچه انفاق می‌کنید در درجه اول برای پدر و مادر و خویشاوندان و اقرباست که اشاره به قاعده اقریبیت دارد.

این قاعده که با عبارت «الاقرب فالاقرب» یا «الاقرب یمنع الابعد» نیز از آن یاد می‌شود غالباً در مقام تزامم مصالح و توجه مسئولیت‌های مختلف به یک فرد یا افراد مختلف بدان استناد می‌شود و بر اساس قرب و نزدیکی، امور مختلف اولویت‌گذاری می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه با استناد به این قاعده، وراثت نزدیک‌تر به متوفی، به‌عنوان حاجب ارث برای وراثت دورتر محسوب می‌شوند و ارث به وراثت نزدیک‌تر می‌رسد. با رعایت قاعده الاقرب فالاقرب، نفقه ابویین بر عهده اولاد و اولاد اولاد است. همچنین حضانت فرزند پس از فوت والدین، به خویشان نسبی با رعایت الاقرب فالاقرب واگذار می‌شود. استناد به این قاعده گرچه در باب ارث و حقوق خانواده بیشتر واقع شده؛ اما با توجه به عقلایی بودن این قاعده و الغاء خصوصیت، می‌توان از آن در سایر موضوعات و ابواب فقهی استفاده کرد، کما اینکه در باب زکات و دیات نیز بدان استناد شده است و این حکایت از مقبولیت این قاعده نزد فقها می‌کند (مصطفوی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۶۴). نکته مهم این قاعده می‌تواند که با موضوع این پژوهش ارتباط دارد این است که طبق قاعده اقریبیت، حکم کسی یا چیزی که نزدیک‌تر است (اقرب) با حکم قریب متفاوت است مانند آنچه در ارث و حضانت بیان شد به این بیان که فرد اقرب ارث می‌برد (جواز ارث) و طبقات بعدی که دور هستند ارث نمی‌برند (حرمان از ارث) یا حضانت فرزند به اقرب محول می‌شود و نمی‌توان آن‌را به فرد دور سپرد؛ بنابراین بعید نیست حکم پخش مستقیم و غیرمستقیم نیز متفاوت باشد؛ زیرا سیره عقلاً پخش زنده را اقرب به واقع و نازل منزله آن دانسته و به احتمال غیرواقعی بودن پیام‌ها و برنامه‌ها و تحریف آنها اعتنا نمی‌کنند. در پخش مستقیم تمام مؤلفه‌های واقعیت به‌صورت تصویر یا صوت ارائه می‌شود و تطابق زمانی بین پخش و واقعیت وجود دارد؛ اما در پخش غیرمستقیم، علاوه بر اینکه تطابق زمانی وجود ندارد، احتمال تحریف، تقطیع و جعل و فریب وجود داشته و همین امر، مانع اقریبیت آن می‌شود؛ بنابراین طبق قاعده اقریبیت می‌توان بین پخش مستقیم و غیرمستقیم تفکیک قائل شد و از آنجا که پخش مستقیم به واقع نزدیک‌تر است حکم آن با حکم پخش غیرمستقیم، متفاوت است.

ز- انصراف ذهن به پخش زنده

کلمه (سمع) و (رأی) و مشتقات آنها که در روایات مربوط به احکام دیدن و شنیدن وارد

شده، مطلق است و هم شامل دیدن یا شنیدن از طریق پخش مستقیم و هم غیرمستقیم می‌شود؛ به‌عنوان مثال امام رضا(ع) در حدیثی می‌فرماید: «حرم النظر الی شعور النساء المحجوبات بالازواج» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۱۹۳)، یا در روایتی امام صادق(ع) از قول پیامبر(ص) می‌فرماید: «نهی(رسول الله) عن الغیبه و الاستماع الیها و نهی عن النمیمه و الاستماع الیها» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۰۶۸). ظاهر این روایات حاکی از شمول و اطلاق در دیدن و شنیدن است لکن انصراف ذهن که به اعتقاد شهید صدر منشأ آن می‌تواند مناسبات عرفی و عقلایی باشد (شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳۲)، موجب تمایل ذهن به دیدن یا شنیدن به‌صورت مستقیم می‌شود؛ زیرا عرف عقلاء آنرا به واقع شبیه‌تر و نزدیک‌تر می‌داند و این انصراف مانع اطلاق و شمول روایات می‌شود (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۸۸).

۲- نقد و بررسی ادله تفکیک

دلایلی که برای تفکیک حکم پخش مستقیم و غیرمستقیم ارائه شد تمام نیست و دیدگاه تفکیک با اشکالات متعدد روبه‌روست. در این مجال با استناد به ادله نقضی و حلّی به بررسی این دیدگاه می‌پردازیم. ادله نقضی ناظر بر نقض و ردّ ادله تفکیک بوده و ادله حلّی، دیدگاه مشهور را تثبیت می‌کند.

ادله نقضی:

الف- در زمینه تشخیص موضوعات احکام شرعی، دقت‌های عقلی لحاظ نمی‌شود و بر مبنای متفاهم عرفی قضاوت می‌شود. اگر عنوان(نظر) بر عرف عام عرضه شود بین دیدن شخص خارجی و تصویر او از جهت دیدن، هیچ تفاوتی قائل نیست و برای همه این عناوین از کلمه نظر استفاده می‌کند (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۸۸). در متون فقهی نیز برای تصویر و فرد خارجی از واژه نظر استفاده شده است. آقای خویی در این زمینه می‌گوید: «الظاهر حرمة النظر الی ما یحرم النظر الیه فی المرآه و الماء الصافی مع عدم التلذذ و اما معه فلا اشکال فی حرمته» (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۸۷). ایشان برای نگاه به نامحرم در آینه و آب زلال که حاکی از فرد خارجی است از واژه نظر استفاده می‌کند، به همین دلیل است که ایشان به‌طور مطلق، نگاه به نامحرم را جایز نمی‌داند و می‌گوید: «لا اشکال فی عدم جواز النظر الی کل امرأه حتی المحارم اذا کان عن شهوه و ریبه بلاخلاف بل لعله من

ضروریات الفقه» (خوبی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۶۴). مرحوم حکیم نیز نگاه به تصویر نامحرم در آب صاف و شیشه و آینه را جایز نمی‌داند و معتقد است که مفهوم عرفی از ادله حرمت نظر، شامل همه این موارد می‌شود (حکیم، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۱۹۱)؛ بنابراین نظر به نامحرم چه مستقیم و چه غیرمستقیم جایز نبوده و این دو قابل تفکیک نیستند.

ب- ظهور روایات در افعال اختیاری نیز سبب تفکیک حکم پخش مستقیم و غیرمستقیم نمی‌شود؛ زیرا فعل اختیاری به دو صورت بی‌واسطه و مع‌الواسطه قابل تحقق است. فعل اختیاری مباشر، بدون واسطه و بر اساس اراده انسان محقق می‌شود و در فعل اختیاری مع‌الواسطه، مبدأ اولیه فعل، بر مبنای اختیار انسان ایجاد می‌شود سپس در وضعیتی قرار می‌گیرد که از حیطة اختیار انسان خارج می‌شود مانند کسی که با اختیار خود، از ارتفاع سقوط می‌کند و در بین راه گرچه نمی‌تواند از سقوط اجتناب کند لکن به واسطه انتخاب سقوط در ابتدای عمل و با استناد به قاعده (الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار) در هنگام سقوط نیز مختار محسوب می‌شود. کاربرد این قاعده در جایی است که مکلفی با اختیار خویش کاری انجام دهد که به سلب اختیار از او منجر گردد. اصولیون بر این اعتقادند که این اضطرار با مسئول بودن او در نظر عقل و شرع منافات ندارد و موجب معذوریت او نمی‌گردد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص. ۴۴۷؛ حکیم، ۱۴۳۴، ج ۲، ص. ۲۸۸).

اتمام و تنقیص در اذان نیز بعه‌نوان نمونه‌ای از افعال اختیاری، هم در افعال مباشری قابل تصور است و هم در اذان ضبط شده. بدین بیان که در پخش مستقیم، مؤذن می‌تواند بالمباشره هنگام اذان گفتن، قسمتی از اذان را حذف کرده و تنقیص ایجاد کند و اتمام یا تنقیص در ضبط اذان نیز به واسطه اراده تنقیص در زمان ضبط، قابل تحقق بوده و از افعال اختیاری مع‌الواسطه محسوب می‌شود. علاوه‌براین در متن روایتی که بیان شده عبارتی به کار رفته که قابلیت انطباق با هر دو نوع پخش را دارد. امام (ع) در این روایت می‌فرماید: «اذا أذن المؤمن فنقص الاذان». در این عبارت، اذان به شخص مؤذن نسبت داده شده و سپس در اذان تنقیص ایجاد می‌شود که این تنقیص در هر دو حالت، قابل تصور و امکان‌پذیر است؛ بنابراین اختصاص روایت به پخش مستقیم بدون دلیل است.

ج- روایت منقول از امام هادی (ع) ضعیف‌السند است؛ زیرا اولاً مبرقع از روایتی است که

توثیق نشده است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۱۹). ثانیاً این روایت با روایات متعدد و صحیح‌های که مطلقاً نظر به عورت دیگری را حرام دانسته تعارض دارد؛ مانند این روایت: «عن الصادق (ع) عن آبائه علیهم السلام فی حدیث المناهی، قال: نهی رسول الله (ص) أن ینظر الرجل إلى عورة أخیه المسلم ونهی المرأة أن تنظر إلى عورة المرأة» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۲۳).

طبق این روایت، پیامبر اسلام (ص) از نظر کردن به عورت دیگری نهی نموده‌اند. متعلق نظر در این روایت به اقتضای اطلاق روایت، شامل عورت واقعی و تصویر آن می‌شود و با تقدیر هرکدام، هیچ خللی در صحت دلالتی و معنایی روایت وارد نمی‌شود. مسلماً روایت ضعیف السنندی که از امام هادی (ع) نقل شده توان مقابله با روایات صحیح در زمینه حرمت نظر به مطلق عورت را ندارد. ثالثاً اگر ضعف سند روایت نادیده گرفته شود حمل بر حالت اضطرار می‌شود؛ زیرا ناظر بر مقام تقسیم ارث بوده و برای تحقق این امر لازم بوده که سهام ورثه مشخص شود و ظاهراً راهی غیر از نظر به آینه برای اجتناب از وقوع در حرام وجود نداشته بوده است (مدرسه فقاهت، درس خارج فقه استاد احمد خاتمی، ۱۳۹۹/۳/۱۷). فقها نیز در مسئله نگاه به عورت دیگری، به استفاده از آینه در مقام اضطرار اشاره می‌کنند. آیت‌الله خمینی در این زمینه می‌گوید: «لو اضطرر إلى النظر إلى عورة الغير - كما فی مقام العلاج - فالأحوط أن ینظر إليها فی المرأة المقابلة لها إن اندفع الاضطرار بذلك، وإلّا فلا بأس» (خمینی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۷).

د- تلبس بالمبدأ که در بحث مشتق مطرح است الزاماً ملازمه با پخش مستقیم ندارد و در پخش غیرمستقیم نیز قابل تحقق است؛ زیرا مبادی و اوصافی که ذات بدان‌ها متصف می‌شود از نظر استمرار و عدم استمرار، متفاوتند. اتصاف به صفت (أکل) استمرار زیادی نداشته و به زودی زائل می‌شود؛ اما اتصاف به برخی از حرفه‌ها و صناعت‌ها، طولانی‌مدت است؛ به‌عنوان نمونه کسی که متلبس به مبدأ نجاری، خیاطی یا طبابت است تا وقتی که این مهارت را داراست متلبس محسوب می‌شود و حتی خواب یا استراحت یا عدم اشتغال به آن حرفه برای مدتی کوتاه، باعث زوال مبدأ از ذات نمی‌شود و فقط وقتی که این مهارت را از دست بدهد یا به دلیل جسمی نتواند آن را ادامه دهد از تلبس به مبدأ خارج می‌شود (مظفر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۰)؛ بنابراین تلبس فعلی به مبدأ ممکن است در پخش

غیرمستقیم نیز محقق شود به این شکل که فرد نجار که در پخش غیرمستقیم شرکت کرده، قبل و بعد از اتمام پخش، همچنان متلبس به مبدأ بوده و صفت نجاری همچنان با او همراه است و به اقتضای استمراری که عرفاً در این مهارت‌ها وجود دارد اطمینان به وجود این اتصاف، پس از اتمام پخش غیرمستقیم حاصل می‌شود.

و- در نظام فقهی اسلام، اقریبیت همواره تعیین‌کننده نیست بلکه در مقام اجرای احکام شرعی لازم است بر اساس مصلحت عمل شود و در مقام تزام مصالح باید به مصلحت اهم عمل شود. همان‌طور که احکام شرعی در مقام تشریح، تابع مصالح و مفاسد نفس‌الامریه هستند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۳۹). در مقام اجرا و امتثال نیز از مصالح و مفاسد تبعیت می‌کنند که از مهم‌ترین آنها رعایت مصلحت مولی علیه توسط ولی است که اجرای احکام مربوط به مولی علیه منوط به مصلحت وی شده است (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴، ص. ۴۹۴)؛ البته مصالح و مفاسدی منظور است که با غرض شارع و ضوابط شرع منافات نداشته باشند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۴۱۲) و در طول احکام شریعت باشند و بر اساس موازین کارشناسی و خبرویت (اردبیلی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص. ۴۴۴) و رعایت قانون اهم و مهم تعیین شده باشند. رعایت این مصالح گاهی همسو با قاعده اقریبیت است و گاهی این‌چنین نیست. شارع مقدس خود نیز در مواردی اقریبیت را رعایت نکرده و بر خلاف آن حکم کرده است؛ به‌عنوان نمونه در طبقات ارث که طبق قاعده الأقرب فالأقرب عمل می‌شود. اگر یکی از ورثه‌ای که اقرب به میت است قاتل مورث خود باشد یا کافر باشد نمی‌تواند ارث برد (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص. ۲۶) حتی اگر از دیگران به متوفی نزدیک‌تر باشد. شارع در این موضوع به دلیل رعایت برخی مصالح (مانند صیانت از دین و عدم تسلط کافر بر مسلمان) و دفع برخی از مفاسد (مانند جلوگیری از طمع به ارث که انگیزه‌ای برای قتل مورث است) قاعده اقریبیت را اجرا نکرده و به قاتل و کافر اجازه ارث‌بری نداده است. یا در مسئله حضانت کودک که لازم است حاضن، عاقل بوده و مصالح طفل را رعایت کند. اگر پدر و مادر طفل، این شرایط را نداشتند حضانت به غیر آنها منتقل می‌شود (صاحب‌جوهر، ۱۹۸۱، ج ۳، ص. ۲۸۷). گرچه آنها از والدین به طفل دورتر باشند. دلیل این حکم به رعایت مصالح کودک برمی‌گردد که لازم است در مقام اجرای احکام شرعی لحاظ شوند.

پخش زنده گرچه عرفاً به واقع نزدیک‌تر است ولی این اقربیت به دلیل آنکه در موارد متعدد، ملحوظ شارع نبوده، نمی‌تواند موجب تغییر حکم آن نسبت به پخش غیرمستقیم شود مگر آنکه دلیل خاص بر لزوم رعایت اقربیت در این مورد وجود داشته باشد که این‌طور نیست.

ز- انصراف یعنی انس ذهن به حصه‌ای خاص از حصص معنای موضوع له (شاهرویی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۳۱) یا برخی از مصادیق معنا. انصراف ذهن اگر ناشی از ظهور لفظ در معنای مقید به دلیل کثرت استعمال لفظ در آن معنا باشد، مانع انعقاد اطلاق است؛ زیرا در این صورت، لفظ از معنای مطلق به معنای مقید منتقل شده و ظهوری ثانوی برای لفظ ایجاد شده است؛ اما اگر ناشی از لفظ نباشد بلکه مستند به اسباب خارج از لفظ باشد انصراف بدوی است و نمی‌تواند مانع اطلاق کلام باشد؛ مانند غلبه وجود خارجی مقید که الفت ذهن با آن به لفظ راجع نیست (مظفر، ۱۲۸۶، ج ۱، ص ۱۷۳). در ما نحن فیه که ادعای انصراف شده، اولاً این انصراف از مصادیق انصراف بدوی است؛ زیرا مستند به عرف و اقربیت و اشبه به واقع شده که این امور، از اسباب خارج از لفظ بوده و انصراف ناشی از آنها مانع اطلاق نیست. ثانیاً لفظ دیدن یا شنیدن ظهوری در دیدن یا شنیدن مستقیم ندارد و این خلاف متفاهم عرفی از این الفاظ است که طبق فهم عرف، این الفاظ هم شامل دیدن یا شنیدن مستقیم و هم غیرمستقیم می‌شود. ثالثاً این دلیل اگر تحت عنوان دلیل عرف مطرح می‌شد مناسب‌تر بود تا تحت عنوان انصراف.

ادله حلّی:

الف- بر اساس داده‌های فنی، فیلم یا صوت زنده و غیرزنده ماهیت واحدی دارند(هر دو تصویر متحرک یا صوتند)، پس حکم دیدن یا شنیدن مستقیم یا غیرمستقیم نباید تفاوتی داشته باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که موضوع واحد نمی‌تواند دو حکم متفاوت داشته باشد.

ب- قائلان به تفکیک در برخی از ابواب فقهی که احکام دیداری و شنیداری را بیان کرده‌اند، بین پخش مستقیم و غیرمستقیم تفاوت حکمی قائل نشده‌اند مانند شنیدن غنا که در هر صورت حرام شمرده شده و دلیل آن اطلاق دلیل غنا بیان شده است (خامنه‌ای،

۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۰). در آیه ۳۰ از سوره حج خداوند می‌فرماید: «واجتنبوا قول الزور». در این آیه دستور به اجتناب از قول زور داده شده است کلمه زور به معنای انحراف از حق است و هر سخن باطلی را زور نامند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۶، صص ۳۰۹ و ۳۱۰). منشأ اصلی حمل این آیه بر مورد غنا، احادیث وارده در تفسیر این آیه است. امام صادق (ع) در روایتی در جواب این سؤال که منظور از قول زور در آیه چیست؟ فرمودند: «الغناء» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۳۱). اطلاق (قول الزور) در آیه همه انواع غنا را تحریم نموده چه غنایی که در پخش زنده شنیده می‌شود یا به صورت غیرمستقیم استماع می‌شود. حال این پرسش مطرح است که در تمام احکام دیداری و شنیداری، اطلاق دلیل وجود دارد؛ زیرا در زمان شارع، اثری از انواع پخش رسانه‌ای نبوده؛ بنابراین هیچ قیدی نسبت به این موضوع در کلام شارع مشاهده نمی‌شود. اگر اطلاق دلیل غنا باعث تحریم شنیدن آن به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌شود، چرا در موضوعات دیگر که اطلاق دلیل وجود دارد یکسانی حکم در دو نوع پخش وجود ندارد؟

ج- تفکیک بین دو نوع پخش، مستلزم تحقق مفسده و شبهه لغویت و عبث بودن است؛ زیرا هر بیننده یا شنونده‌ای مجاز خواهد بود که تصاویر یا اصواتی را که نمی‌تواند به صورت مستقیم دریافت کند ضبط نموده و در دقایق بعدی به صورت غیرمستقیم آنها را ببیند یا بشنود. در این صورت تفکیک حکم این دو نوع پخش، بی‌فایده و لغو بوده و خدا منزله است از اینکه کار بیهوده و بی‌هدف انجام دهد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴).

د- تشریح احکام شرعی بر اساس اهداف و اغراضی صورت گرفته و هدفمندی احکام شرعی با ادله متعدد به اثبات رسیده است. نگارش و تدوین کتاب‌هایی چون *علل الشرائع*، *اثبات العلل*، *مقاصد الشریعة*، هدفدار بودن شریعت را می‌فهماند. در میان دانشمندان و فقها و متکلمان اسلامی، این مسئله اجماعی است که تمام افعال خدا معلل به اهداف و اغراض است (بوزهره، بی‌تا، ۷۹؛ ابن حزم، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۵۲۲). شهید اول در کتاب *القواعد و الفوائد* می‌گوید: «در علم کلام ثابت شده است که افعال خداوند، معلل به اغراض است و با توجه به اینکه بازگشت غرض به خدا محال است نتیجه این می‌شود که به مکلفین برگردد» (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۳). با پیش فرض معلل بودن احکام شرعی، در باب *علل*

الشرايع و دلائل احكام شرعی در برخی روایات برای احكام دیداری و شنیداری اغراضی بیان شده که اطلاق داشته و هم شامل پخش مستقیم و هم غیرمستقیم می‌شود. امام رضا(ع) در جواب سؤال سائل در مورد علل برخی از احكام می‌فرماید: «حَرَّمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرَّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَحْمَلُ وَ كَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ» (ابن بابویه، ۱۳۱۵، ج ۲، ص ۵۶۴).

نگاه کردن به موهای زنان مستور و بانوان شوهردار و غیر ایشان حرام است؛ زیرا این نگاه مرد را تهییج و تحریک نموده و تهییج شخص را به فساد و چیززی که حلال و پسندیده نیست می‌کشاند و همچنین است حکم غیر مو که نگاه مرد به آنها حلال نیست. حضرت زهراء(س) در خطبه فدکیه ضمن بیان علل احكام می‌فرماید: «وَ اجْتِنَابِ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ»: یعنی خداوند نسبت ناروا دادن(قذف) را حرام کرد برای عدم دوری از رحمت الهی (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۲۹، ص ۲۳۰).

به تشخیص عرف عقلاء هر مفسده‌ای که در دیدن یا شنیدن در پخش مستقیم وجود دارد در پخش غیرمستقیم نیز ایجاد می‌شود و فلسفه حرمت نگاه به نامحرم یا حرمت شنیدن قذف یا غیبت، در هر دو پخش وجود دارد و تفکیک حکم بین این دو وجهی ندارد. و- آیات و روایاتی که در مورد دیدن و شنیدن و احكام آنها وارد شده، مطلقند و هر دو نوع پخش را شامل شده و قیدی برای آنها وجود ندارد. خداوند در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ وَ...»: به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و دامن خود را حفظ نمایند. این برای پاک ماندن آنان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به‌طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گریبان بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه آنان نیز

پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهرشان و.... در این آیات که خطاب به مردان و زنان است دستور به کنترل چشم برای مردان و آشکار نکردن زینت‌های زنان داده شده و هیچ قیدی نسبت به عرضه مستقیم یا غیرمستقیم وارد نشده و اطلاق آنها همه را شامل شده و تفکیک پخش مستقیم و غیرمستقیم دلیلی ندارد. بالجمله با توجه به ادله فوق‌الذکر و ناتمام بودن ادله اثباتی دیدگاه تفکیک، حکم شرعی دیدن و شنیدن از رسانه چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، یکسان بوده و قول به تفکیک، علاوه بر اینکه خلاف مشهور است، فاقد دلیل موجه است.

نتیجه‌گیری

پخش زنده برنامه‌ها در رسانه‌های شنیداری و دیداری از نظر تعلق حکم شرعی با پخش غیرمستقیم تفاوتی ندارد؛ زیرا قیودی که در این دو نوع از پخش باعث تفاوت آنها می‌شود بر حسب مفاهیم عرفی، موجب تعدد موضوع نشده و از آنجاکه موضوع واحد، محکوم به حکم واحد است؛ بنابراین نمی‌توان بین حکم این دو نوع پخش تفکیک قائل شد. اطلاق ادله احکام دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها نیز مؤید همین مطلب است و این اطلاق، انصراف ظهوری به هیچ‌یک از دو نوع پخش نداشته و تفکیک احکام در این زمینه موجه به نظر نمی‌رسد. جدای از اطلاق ادله، حکمت تشریح احکام شرعی که از علل الشرایع مستفاد است اقتضای یکسانی حکم بین دو نوع پخش را دارد. قول به تفکیک مستلزم لغویت و فعل عبث است که بر خلاف حکمت است و در ساختار تشریح حکیمانانه جایگاهی ندارد. یکی از دلایل قول به تفکیک، لحاظ دقت‌های عقلی و موشکافانه فنی در تفاوت پخش زنده و تولیدی و به تبع آن تفاوت در احکام شرعی است که با مبنای عرفی حاکم بر احکام فقهی، منافات دارد و پیشنهاد می‌شود که در تشخیص موضوعات احکام، بر اساس مفاهیم عرفی قضاوت شود تا زمینه اختلاف و تغییر در احکام شرعی به حداقل ممکن برسد.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۱۴ق)، *کفایة الاصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*، قم: مکتبه الداوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۹۸۷م)، *الاحکام فی اصول الاحکام*، بیروت: دار الجمیل.
- ابوزهره، محمد (بی تا)، *اصول الفقه*، القاہرہ: دار الفکر العربی.
- اردبیلی، مولی احمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع الفائدہ والبرهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، *المکاسب*، قم: باقری.
- حراغلی، محمد بن حسن (۱۳۹۲ش)، *وسائل الشیعه*، تهرآن: نشر اسلامیہ.
- حکیم، سیدمحسن (۱۳۹۱ق)، *مستمسک العروه الوثقی*، قم: دارالتفسیر.
- حکیم، محمدسعید (۱۴۳۴ق)، *المحکم فی اصول الفقه*، قم: دارالہلال.
- خامنہ ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، *اجوبہ الاستفتاءات*، تهرآن: نشر انقلاب اسلامی.
- خمینی، سیدروح الله (۱۴۰۶ق)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵ش)، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، تهرآن: مکتبه الصدوق.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، *موسوعه الامام الخوئی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۴)، *المستند فی شرح العروه الوثقی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷ق)، *بحوث فی علم الاصول*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- شہید اول، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *القواعد والفوائد*، قم: منشورات مکتبه المفید.
- شہید ثانی، زین الدین علی (۱۴۰۳ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعہ الدمشقیة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صاحب جواهر، محمد حسن (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸ش)، *شیعه در اسلام*، قم: بوستان کتاب.

طباطبای، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل البيت(ع).
فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین(ع).
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش)، *الاصول من الکافی*، تهران: المکتبه الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹ش)، *بحار الانوار*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
مدرسه فقاہت، درس خارج فقه استاد احمد خاتمی، (۱۳۹۹/۳/۱۷).

<https://eshia.ir/Feqh/Archive/Khatami/feqh2/98>

مصطفوی، سیدمحمدکاظم (بی تا)، *مأه قاعده فقهیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

مظفر، محمدرضا (۱۲۸۶ق)، *اصول الفقه*، نجف: دار النعمان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰ش)، *قواعد فقهیه*، قم: مدرسه امام علی(ع).

نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ش)، *فوائد الاصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

وحیدخراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، *توضیح المسائل*، قم: مدرسه الامام باقرالعلوم(ع).

وحیدی، محمد (۱۳۹۰)، *احکام بانوان مطابق با فتاوی حضرت امام خمینی(ره)*، قم:

بوستان کتاب.